

مصاحبه
امیر اسدی

شاید اگر بخواهیم بهترین و جذاب‌ترین صعود تیم ملی ایران به جام جهانی را معرفی کنیم، بدون شک به سال ۱۹۹۸ می‌رسیم. جایی که تیم ملی بعد از شکست در مرحله پلی آف مقابل ژاپن به ملاقات استرالیا رفت و توانست این تیم قدرتمند را با انبوهی از ستاره‌های حاضر در لیگ برتر انگلیس از پیش رو بردارد و به‌عنوان آخرین تیم مجوز حضور در جام جهانی را کسب کند.

آن سال‌ها بازیکنانی حضور داشتند که نسل طلایی و ملقب به نسل ۹۸ را تشکیل دادند و برای همیشه در ذهن‌ها ماندگار شدند. از جمله محمد خاکپور که در جام جهانی بازی کرد و بعدها به سرمربیگری تیم المپیک نیز رسید. خاکپور که عادت دارد صریح صحبت کند، در گفت‌وگو با ایران ورزشی از خاطرات صعود تاریخی ایران به جام جهانی صحبت می‌کند و البته مشکلاتی که در آن مقطع برای تیم ملی وجود داشت. از امکانات بگیرید تا کمبود تجربه بین‌المللی میان بازیکنان. او از پاداش‌هایی که قرار بود به بازیکنان بدهند نیز گفت و البته برگه‌ای با امضای مصطفی هاشمی طبا، رئیس وقت سازمان تربیت‌بدنی که هنوز در گاوصندوق خاکپور موجود است.

سوژه مصاحبه با شما، مقایسه صعود تیم ملی به جام جهانی ۱۹۹۸ و تمام صعودهای بعد از آن است. آیا آن زمان رسیدن به جمع تیم‌های برتر جهان سخت‌تر بود یا حالا؟

زمان ما صعود خیلی خیلی سخت بود. البته به چند دلیل. اولین دلیل این بود که ما امکانات آنچنانی نداشتیم و در حد یک تیم معمولی بودیم. یک روز مجموعه انقلاب تمرین می‌کردیم و یک روز جای دیگر. اردوهای ما خوابگاهی بود و مثل الان هتل ۵ ستاره و پرواز بیزینس کلاس نداشتیم. البته اینها طبیعی هم بود و البته به اقتضای زمان. شرایط در کل نسبت به حالا فرق می‌کرد. دومین مسأله این بود که تیم ما نسبت به بازیکنان فعلی، تجربه بین‌المللی کمتری داشت. دیدارهای تدارکاتی به دلیل کمبود بودجه و امکانات کم بود و یا شاید کسی نمی‌خواست با ایران بازی کند. تقریباً اکثر بچه‌ها داخل ایران بازی می‌کردند، برعکس حالا که خیلی از بازیکنان لژیونر هستند و در باشگاه‌های اروپایی حضور دارند. ۲۰ سال هم بود به جام جهانی نرفته بودیم و همین موضوع هم شرایط را سخت می‌کرد. ضمن اینکه کسی هم روی ما حساب نمی‌کرد.

منظورتان تیم‌های مقابل است؟

هم رقبا و هم مردم. آخرین بار سال ۱۹۷۸ به جام جهانی صعود کرده بودیم و بعد از آن مدام حذف می‌شدیم و ناکام بودیم. کسی از ما توقع شق‌القمر نداشت اما تمام بچه‌ها سعی خودشان را کردند و در نهایت آن اتفاقات بازی با استرالیا پیش آمد و راهی جام جهانی شدیم.

در آن مقطع شرایط امکاناتی تمام تیم‌ها شبیه ایران بود یا آنها در وضعیت بهتری قرار داشتند؟

از آن زمان هر چقدر ما پیشرفت کرده‌ایم، رقبا هم پیشرفت کرده‌اند. برای‌تان مثال می‌زنم. قطر را در نظر بگیرید که فوتبالش چقدر پیشرفت کرده. استادیوم‌های آنچنانی می‌سازند، مربی خارجی بزرگ می‌آورند و مربیان جام جهانی را هم می‌گیرند. قطر هم در زمان ما امکانات فعلی را نداشت اما در مقایسه با ایران از این لحاظ در سطح خیلی بالاتری قرار داشت.

آیا برای پیروزی‌های‌تان مثل حالا پاداش هم می‌گرفتید؟

پاداشی در حدود ۵۰ دلار می‌گرفتیم که گاهی به ۱۰۰ دلار هم می‌رسید. این مبلغ وقتی خوب بازی می‌کردیم و می‌بردیم برای‌مان در نظر گرفته می‌شد. البته خوبی‌اش این بود که آن زمان حاجی مایلی بود و پاداش‌ها را به مساوات بین بازیکنان تقسیم می‌کرد.

پاداش صعود به جام جهانی هم نصیب‌تان شد؟

واقعاً پاداشی برای صعود نگرفتیم. البته قانونی در فیفا وجود دارد که می‌گوید بخشی از پاداش تیم‌ها به بازیکنان و کادر فنی می‌رسد. ما بازیکنان پیگیر موضوع هم شدیم اما صفایی فراهانی گفت با پول شما کمپ تیم‌های ملی را ساختیم و این برای همیشه ماندگار می‌ماند. از این داستان‌ها زیاد به ما گفتند و البته دست‌مان هم به جایی نرسید.

خداداد می‌گفت برگه‌ای به شما دادند که روی آن نوشته شده بود زمین دریکی از نقاط خوب تهران.

کلاً فوتبال ما کم تجربه بود و همین موضوع شامل ما بازیکنان هم می‌شد. ما زمانی که بازی‌ها را پشت سر گذاشتیم و آن دیدار با استرالیا که همه در خاطرشان هست، به ایران برگشتیم. وقتی برگشتیم، با توجه به اینکه هم ما و هم کادر فنی کم تجربه بودیم، یک عده سودجو از ما استفاده ابزاری کردند. ما را مدام به همه جا دعوت کردند و وعده‌های آنچنانی دادند. یکی گفت زمین می‌دهم، آن یکی مدعی شد اتومبیل می‌دهم و از این حرف‌ها. تمام مردم ایران فکر کردند ما بازیکنان تیم ملی میلیاردر شده‌ایم. فارغ از اینکه همه داستان‌ها نمایشی بود تا برخی نام خودشان را مطرح کنند.

توضیح بیشتری درباره آن برگه معروف می‌دهید؟

من هنوز آن برگه را دارم. آقای هاشمی طبا که رئیس وقت سازمان تربیت‌بدنی بودند در مراسمی که میزبان آن سالن وزنه‌برداری ورزشگاه آزادی بود و آقای صفایی فراهانی و بازیکنان و کادر فنی تیم ملی هم حضور داشتند، یک پاکت به تمام بچه‌ها دادند. اسامی بازیکنان هم روی پاکت نوشته شده بود. داخل پاکت یک کارت بزرگ و سبزرنگ بود. نگاه کردیم و دیدیم روی کارت نوشته به پاس خدمات ارزنده شما، یک واحد مسکونی به شما اهدا می‌گردد. امضای هاشمی طبا هم پایین آن بود. من هنوز آن برگه را دارم اما اگر شما واحد مسکونی و زمین را دیدید، ما هم دیدیم.

از بحث امکانات و بودجه بگذریم، از نظر فنی چطور؟ آیا الان صعود به جام جهانی آسان‌تر است؟

الان خیلی راحت‌تر شده. زمان ما از آسیا تنها دو تیم صعود می‌کردند. الان چهار تیم می‌رود و یکی هم راهی پلی آف می‌شود. همیشه و در بدترین حالت، ایران جزو چهار تیم برتر آسیا است. اگر با این شرایط به جام جهانی نرویم، خودمان را زده‌ایم. قبلاً سهمیه آسیا کم بود و با توجه به پیشرفتی که ژاپن و کره جنوبی کرده بودند، اغلب آنها به جام جهانی می‌رفتند. بعد از سال ۱۹۹۸ که ما آسیایی ها نمایش خوبی ارائه دادیم، سهمیه به چهار تیم رسید و صعود آسان‌تر شد. الان اما با یک برنامه‌ریزی خوب باید دغدغه صعود به دور دوم جام جهانی را داشته باشیم.

به‌عنوان سؤال پایانی، دوست دارم در مورد حرکتی که تومیسلاو ایویچ انجام داد و عکس مهاجمان یوگسلاوی و بخصوص پردراگ میاتوویچ معروف را به دیوار اتاق مدافعان چسبانده بود، صحبت کنید. اصلاً مأمور مهار میاتوویچ که آن زمان ستاره رئال مادرید بود، شما بودید یا مهدی پاشازاده؟

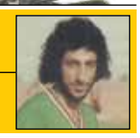
ما با روش ۲-۵-۳ بازی می‌کردیم. نادر محمدخانی مدافع آخر بود، من دفاع راست بودم و مهدی پاشازاده دفاع چپ. میاتوویچ هم چون بیشتر سمت چپ خودشان بازی می‌کرد، اغلب من با او درگیر بودم. عکس‌هایش هم هست. یک جاهایی من روی پای او تکل زده‌ام و یک وقت‌هایی هم او. البته داستان چسباندن عکس برای والدیرویرا بود. او آدم شوخ‌طبعی بود و روانشناسی هم می‌دانست. یادم می‌آید عکس فوروارد ژاپن را در اتاق استاد اسدی چسبانده و به او گفته بود هر وقت از خواب بیدار می‌شوی، مثل کاراته‌بازها به او ضربه بزن. البته باز هم می‌گویم اینها همه در حد شوخی بود.



خاکپور: مردم فکر کردند میلیاردر شده‌ایم

ویرا به استاد گفت به مهاجم ژاپن فن کاراته بزن!

فرق ما با تیم فعلی، تجربه بین‌المللی و امکانات است



ناصر نورایی
بازیکن تیم ملی ۱۹۷۸



محمد صادقی
بازیکن تیم ملی ۱۹۷۸



علی شجاعی
بازیکن تیم ملی ۱۹۷۸